

مقدمه

کلاس های درس در یک دسته بندی کلی یا شاداب، جذاب و پُر مخاطب است یا کسل کننده خمود و مخاطب گریز و یا معمولی و عادی است. کلاس درسی که در آن به مؤلفه های جذابیت توجهی نمی شود با گذشت زمان ممکن است کم کم سستی و کسل کنندگی در آن پیدا شود که جدا شدن ارتباط بین استاد و فراگیر از روشن ترین پیامدهای ناگوار آن خواهد بود و این نتایج آموزش را عقیم و بی اثر می سازد.

ارتباط بین دانشجو و استاد و ارتباط بین دانشجو و یادگیری زمانی حاصل یا تقویت می شود. که تعلیم و تربیت جذاب، دلربا و مخاطب پذیر باشد و با حفظ این ارتباط است که تعلیم و تربیت دارای نتایج درخشانی می گردد.

سؤال اصلی و اساسی آن است که چگونه می توان کلاس درس را جذاب، دلپذیر و خوشایند نمود؟ تا نه تنها مقررات آموزشی بلکه اشتیاق فراگیران برای یادگیری و حس کنجکاوی و حقیقت جویی آنان عمده ترین عامل حضور در کلاس شود باعث رعایت مقررات و آداب آموزشی و انضباط بیشتر کلاس گردد؟ آیا می توان با قاطعیت و انعطاف ناپذیری و با اعمال حاکمیت و مدیریت بی چون و چرا کلاس را جذاب ساخت؟

آیا با واگذار کردن فراگیران به حال خود و بی توجهی به آمد و شدهای نابهنگام دانشجویان در حین تدریس، مزه پرانی های بیجا، لطیفه گویی های مستمر، اتلاف وقت کلاس به مسائل و مطالب بیرونی و خارج از درس واموری از این قبیل می توان کلاس را جذاب ساخت و شوق فراگیران را برای حضور در کلاس برانگیخت؟

آیا اجازه هر نوع اظهار نظر، هر نوع سخن و پرسش و به اصطلاح رایج تر اجازه «گفتمان آزاد» می تواند به جذابیت کلاس کمک نماید؟

یا آن که باید به عوامل دیگری توجه نمود و به جای جذابیت زودگذر- که نتایج زودگذری از آن حاصل می شود- به جذابیت پایدار کلاس اندیشید و کلاس درس را با حفظ کلاس بودن و جریان داشتن تعلیم و تربیت در آن برای فراگیران مبارک و مطلوب گردانید؟

به نظر می رسد جذابیت کلاس بر چند و پایه استوار است:
(الف) استاد (ب) متن و محتوای درس (ج) فضای کلاس

نقش استاد در جذابیت کلاس

نقش استاد

استاد یکی از ارکان اساسی آموزش و پرورش است و بدون در نظر گرفتن نقش او، نقش سازنده ای را نمی توان برای تعلیم و تربیت منظور نمود. استاد نه تنها متخصص مسایل آموزشی، بلکه راهنما و سرمشق فراگیران، مشاور و مشفق آنان و دوست و مشکل گشای دانش پژوهان است و این همه کارکرد با عنایت به نقش و جایگاه ممتازی است که او در تعلیم و پرورش داراست.

حال اگر استاد بتواند غیر از آن که مسایل آموزشی را می آموزد، مشفقانه و مشتاقانه در صلاح و اصلاح رفتار و تربیت فراگیران بکوشد، با آنان نه از روی مقررات خشک آموزشی بلکه از روی احساس و عاطفه متعادل رفتار نماید، موقعیت آنان را درک کند، خشک و با اخم و ترشروی بر خورد ننماید، حرمت و جایگاه آنان را پاس دارد و با آنان در تعامل و تفاهم باشد. کلاس درس، کلاسی خوشایند و پرجاذبه خواهد شد و فراگیران برای حضور در چنین کلاسی اشتیاق نشان خواهد داد.

استاد از چهار جنبه علمی، رفتاری، روشی و مدیریتی می تواند به جذابیت کلاس کمک نماید که هر یک از این جنبه ها خود دارای زیر مجموعه هایی است در اینجا نقش استاد در جذابیت کلاس را از جنبه های مختلف بررسی می نمایم.

الف) جنبه علمی

(۱- الف) تسلط علمی:

استادی می تواند جذابیت کلاس را فراهم آورد که از نظر علمی توانا و مسلط باشد. در واقع اصلی ترین وظیفه آموزشی استاد یاددان و آموختن است و استادی که از نظر علمی توانا تر باشد، بهتر می تواند این وظیفه را به انجام برساند. حال اگر وظیفه آموزشی استاد به خوبی انجام نگیرد و کلاس درس او سطح مناسبی از اندیشه و دانایی را در بر نداشته باشد ممکن است فراگیران نسبت به حضور در چنین کلاسی احساس تردید کنند و به این نتیجه برسند که خود با مطالعه کردن کتاب می توانند به همین سطح از آموزش که استاد آن را عهده دار شده است، دست یابند. در این صورت کلاس برای فراگیران فاقد جذابیت می گردد و تنها ممکن است قوانین و مقررات آموزشی یا به تعبیر درست «جبر مقررات آموزشی» فراگیران را به حضور در کلاس راضی سازد.

(۲- الف) پاسخ گویی:

تسلط علمی استاد امری جدا از پاسخ گویی اوست. ممکن است استادی به لحاظ علمی توانمند باشد، اما در پاسخ به پرسش های دانشجویان توانا نباشد. زیرا پاسخ گویی علاوه بر حضور ذهنی قوی، نیازمند پیش زمینه های دیگری همانند آشنایی با اندیشه های روز و شبهات جدید، استفاده از منابع نوتر و جدیدتر، احترام به جایگاه فراگیر و در نظر گرفتن حق پرسش برای او و استقبال از جلب مشارکت و حاکمیت جو پرسش در کلاس است. استادی که با این پیش زمینه ها بیگانه باشد، استاد پاسخگو نخواهد بود. استادی که به مطالبات، ابهامات و سؤالات دانشجویان پاسخ ندهد، نمی تواند برای آنان ایجاد جذابیت نماید و چنین کلاسی برای ذهن پرسشگر دانشجویان، کلاس بی جاذبه تلقی خواهد شد در کلاسی که پاسخگویی جریان دارد:

☑ دانشجوی مطالب و سؤالات خود را پنهان نمی کند و پرسش ها امکان طرح خواهند یافت.

☑ حاکمیت جو پاسخگویی کلاس را به مکانی برای داد و ستد اندیشه ها مبدل خواهد ساخت.

☑ جلب مشارکت در چنین کلاسی جریان منظم خواهد داشت.

به عکس استادانی که قادر به پاسخ نباشند می کوشند به گونه ای رفتار نمایند که دانشجوی از طرح پرسش گریزان و پشیمان شود و یا پرسش دانشجو را به گونه ای صورت بندی می کنند که بر پاسخ آن قادر و توانا باشند، در پاره ای از موارد واگذار کردن پرسش به آخر کلاس و یا به صورت خصوصی در پایان کلاس یکی از ترفندهای فرار از پرسش است.

۲- الف) استفاده از منابع:

روشن است که استادان تک منبع تنها به داده های همان منبع اکتفا می کنند و اکتفا به داده های یک منبع و عدم اطلاع از مسایل جانبی و مطالب بیرونی از جذابیت درس می کاهد و کلاس را پویا، بالنده و پرجاذبه نشان نمی دهد. برخی از استادان پیرامون منبع درسی اطلاعات خوب و مناسبی دارند اما همین که خارج از منبع چیزی از آنان پرسیده شود اظهار بی اطلاعی می کنند و ممکن است به آسانی اعتبار علمی خویش را متزلزل نشان دهند. بدین جهت استفاده از منابع متعدد برای جذابیت کلاس توصیه ای حتمی است.

ب) جنبه رفتاری:

(۱- ب) شادابی:

استادی که گرفته، اخم آلود ویا افسرده رو باشد، نمی تواند پیام آور شادابی و طراوت باشد و کلاس او فاقد اشتیاق و جذابیت خواهد بود. البته گاه ممکن است فیزیک چهره یک استاد کمی او را جدی و گرفته نشان دهد، در این صورت آمیختن درس با تکنیک بیان می تواند آن را جبران نماید، اگر استاد شاداب و با نشاط باشد:

✓ دانشجویان مشتاق تر در کلاس حاضر خواهند شد.
✓ روابط بین استاد ودانشجو صمیمانه تر خواهد گشت.
✓ دانشجو به طرح مشکلات خویش با استاد خواهد پرداخت و از استاد به عنوان مشاور بهره خواهد برد.

✓ دانشجویان شاداب تر خواهند و بهره وری از کلاس افزایش خواهد یافت.
✓ روحیه استاد تأثیر منفی در اخلاق دانشجویان نخواهد نهاد.
اما اگر استاد بی نشاط باشد:

✓ کلاس خشک و کسل کننده می شود.
✓ دانشجویان حتی حاضر به طر پرسش های درس نخواهند بود ودر واقع بسیاری از سؤالات امکان بروز نمی یابد.

✓ یادگیری بااختلال مواجه خواهد شد ، چرا که دانشجو با عنایت به ویژگی استاد، علاقه به آموختن را از دست خواهد داد.

✓ از نقش تربیتی استاد کاسته می شود و دانشجویان نمی توانند از رفتار استاد سرمشق بگیرند.

✓ فضای دوستی وعلاقه به فضای سرد وخاموش بدل خواهد شد و رابطه استاد و شاگرد درحد چارچوب آموزشی محدود خواهد گشت.

(۲- ب) احترام به دانشجو:

ممکن است استاد شخصاً فرد شادابی باشد اما در هندسه ذهنی او فراگیر جایگاه ویژه ای نداشته باشد که از چنین استادی نمی توان توقع داشت که به خواست دانشجو احترام بگذارد. در چنین کلاسی ممکن است استاد یکسویه اعمال مدیریت نماید و تنها خواست خود را بر کلاس تحمیل سازد. که دلزدگی دانشجویان نتیجه ضروری چنین کلاسی است بدگمانی به دانشجو، تردید در صداقت او، پاسخ هایی گزنده، برخورد دبستانی و مدرسه ای با دانشجو، بی اطلاع و بی دانش فرض کردن، دانشجو و... استاد ودانشجو را مقابل و معارض یکدیگر قرار می دهد و درس را برای دانشجو تحمیلی می سازد.

(۲- ب) رعایت پوشش ظاهری

پوشش ظاهری به ظاهر امر ساده ای به نظر می آید، اما در واقع چنین نیست، برخی از استادان می پندارند که باید به لحاظ علمی و اخلاقی آراسته و توانمند باشند و توجه به ظواهر و رعایت شأن استادی در پوشش، آرایش و پیرایش از اهمیت چندانی برخوردار نیست، اما متأسفانه این پندار، نادرست و خطا آلود است. فراگیران حتی درباره پوشش استاد موشکافی می کنند و از استاد ژولیده و نامرتب تأثیر چندانی نمی پذیرند. راستی چگونه استاد می تواند به تأکید دین بر پاکی و طهارت تکیه کند و برآموزه های دینی در باب پاکیزگی توجه دهد، اما خود به لحاظ ظاهری نا آراسته و ژولیده پوش باشد؟ چنانکه آراستگی باطنی استاد می تواند در جذب دانشجو کمک نماید، آراستگی ظاهری نیز بر جذابیت کلاس خواهد افزود و استادان باید رنگ و مدل مناسب، تمیزی و در صورت امکان تازگی را در پوشش مراعات نمایند.

(۴- ب) اعتماد و خوش گمانی:

استادی که به دانشجویان ظنین و بدگمان است، سوءظن و بدگمانی دانشجویان را نیز درباره خویش برخواهد انگیخت.

استاد خوش گمان

✓ مشکل دانشجو را در مسایل درسی و غیر درسی «بهبانه» نمی خواند و از این رو با درک موقعیت دانشجو در حل مشکل به او کمک خواهد کرد.

✓ رابطه اش با دانشجویان براساس وسواس و احتیاط افراطی شکل نخواهد گرفت، بلکه رابطه شان براساس صمیمیت و تفاهم قوت می پذیرد.

✓ بین خود و دانشجو جدایی ایجاد نمی کند و دیواری از بی اعتمادی نمی کشد، از این رو دانشجو مشکلات شخصی خود را با او در میان خواهد گذاشت و از او به عنوان راهنما کمک خواهد گرفت اما اگر استاد بدگمان باشد ممکن است سخن راست دانشجو را نیز دروغ تلقی کند. مشکل او را «توجیه» بداند. پرسش او را به اصطلاح دست انداختن قلمداد کند و سؤال او را بی پاسخ بگذارد. همه اینها باعث می شود که درس و مدرس آن برای دانشجو فاقد جذابیت گردد.

(۵- ب) برهیز از غرور:

استادی که خود را مغرور نشان دهد، دانشجویان از او خواهند گریخت، تکبر و غرور استاد نه تنها رسالت تربیت استاد را ناکام می گذارد. بلکه وظیفه تعلیمی استاد را نیز با مشکل مواجه خواهد ساخت. بر عکس استادان متواضع و فروتن بهتر می توانند دانشجویان را جذب کنند، کلاس را جذاب سازند و به رسالت تعلیمی و تربیتی خویش عمل نمایند.

(ج) جنبه روشی:

اگر چه روش تدریس واحدی را نمی تواند به عنوان بهترین روش برای استادان معرفی نمود، اما می توان گفت که بهترین روش تدریس برای هر استادی آن است که برای دانشجویان جذاب تر و نتیجه بخش تر و یادگیری در آن آسانتر باشد.

ممکن است گاه سخنرانی محض یا سخنرانی فعال، شیوه سقراطی و یا روش قیاسی نتیجه بخش تر و جذاب تر باشد و گاه روش دیگری ایجاد جاذبه نماید و به یادگیری بهتر منجر گردد. زمان آموزشی، متن درسی، مخاطبان درس، توانایی هایی استاد، سیاست های آموزشی، تکنولوژی آموزشی و اموری از این قبیل در انتخاب روش تدریس استاد اثر گذار می باشد.

مهم آن است که استادان محترم به این نکته عنایت نمایند که تدریس شان باید نتیجه مناسب را در بر داشته باشد و برای دانشجویان دلنشین و جذاب باشد.

به نظر می رسد که توجه به نکات زیر می تواند در جذاب کردن روش تدریس موثر باشد. ✓ استاد شیوه تدریسی را برگزیند که نقش دانشجو در آن به خوبی لحاظ شده باشد. فی المثل سخنرانی محض نقش دانشجو را نادیده می انگارد.

✓ نحوه طرح درس که از مسایل مربوط به فنون تدریس و روش های آن است، می تواند در جذابیت موضوع کمک نماید. استاد می تواند درس را با یک سؤال آغاز نماید و روش خویش را بر این مسأله بنا نهد؛ آنگاه توجه دانشجویان برای یافتن پاسخ جلب خواهد شد و در ادامه تدریس برای یافتن پاسخ و حل ابهام خویش توجه بهتری به درس نشان خواهند داد.

✓ ارائه چارچوب در آغاز و تلخیص درس در پایان روش تدریس را مؤثر می سازد. با این کار دانشجو در آغاز خواهد دانست که در این جلسه به دنبال یافتن چه نکاتی است و اگر از نکته ای غفلت کرده باشد، تلخیص آن در پایان دوباره توجه اش را جلب و نقص و کمبود را جبران خواهد ساخت.

✓ جریان داشتن جلب مشارکت و روحیه پرسش و پاسخ می تواند دانشجویان را به فراگرفتن مشتاق تر و کلاس را پرجاذبه تر نماید. منظور از پرسش و پاسخ نیز فقط آن نیست که استاد پاسخ گوی سؤالات باشد، بلکه منظور آن است که درس را به گونه ای طرح نماید که در ذهن دانشجو پرسش ایجاد شود یعنی شیوه تدریس استاد پرسش ساز باشد.

(د) جنبه مدیریتی:

استاد غیر از آن که متخصص آموزشی است، نقش مدیر را نیز در کلاس ایفا می نماید، تعداد فراگیران، روحیات متفاوت آنان، محدودیت زمان آموزشی، اتمام سرفصل های مصوب، الزامات قانونی و مقررات آموزشی و استفاده بهینه از وقت اموری هستند که

مدیریت و نظارت بر کلاس را حتمی و الزامی می سازند. اگر استاد بر کلاس مدیریت ننماید:

✓ هرج و مرج غالب و حاکم بر کلاس خواهد شد.
✓ روحیه نظم پذیری و انضباط بین فراگیران از بین خواهد رفت.
✓ تعلیم و آموزش ناکامیاب و بی نتیجه خواهد شد.
✓ حضور در کلاس بی فایده تلقی می شود و جاذبه ای برای حاضر شدن در کلاس درس باقی نخواهد ماند.

اما برای اینکه مدیریت استاد بر کلاس جذابیت ساز باشد:
✓ قبل از هر چیز استاد باید در فکر ایجاد قوانینی برای کلاسی باشد. کلاس که قاعده خاصی بر آن حاکم نباشد، نتیجه خاصی بر آن مترتب نیست. بنابراین اصل ایجاد و وضع قانون و حرمت نهادن به آن، اصل اولی و ضروری است.
✓ قوانینی که استاد در کلاس به کار می گیرد باید انعطاف پذیر باشد. قوانین خشک، بی روح و غیر قابل انعطاف دانشجویان را از استاد گریزان و کلاس درس را فاقد جذابیت می سازد.

✓ استاد باید سعی کند از تهدید خود داری نماید. تهدید کردن و حاکمیت ترس بر کلاس تنها از آن استادان ترسو و ضعیف النفس است و استادی که از اعتماد به نفس برخوردار است، ابزارهای دیگری را برای مدیریت بر می گزیند مثلاً برخی از استادان با تهدید حذف درس، منظور کردن نمره منفی، اخراج دانشجو از کلاس و یا مثلاً معرفی به آموزش عملاً ناتوانی خود را به اثبات می رسانند.

✓ قاطعیت لازمه مدیریت است اما آمیختن آن با منطق، نظارت و مدیریت را پربارتر و نتیجه بخش تر می سازد. در واقع استاد باید عین قاطعیت منطق پذیر باشد.

✓ لازم است استاد متناسب با هر کلاسی شیوه های نفوذ در فراگیران را از قبل طراحی نماید. به عنوان نمونه کنترل و نفوذ با استفاده از مجاورت (مثل آن که استاد به طرف فرد خطا کار برود و در کنارش بایستد) یا با استفاده از اشاره ماهرانه و نیز به کارگیری طنز و شوخی (به شرط آن که ملایم، محترمانه و ظریف باشد و نه نیشدار، تمسخرآمیز و ریشخند) گونه هایی از نفوذ در فراگیران و مدیریت و نظارت بر کلاس است. مدیریت پلیسی، مدیریت نوچه گرا و جاسوسی، مدیرتی خشک نظامی و مدیریت آزاد، رها و بی قاعده گونه های منفی مدیریت است که کلاس را از مکان آموزشی به مکانی نظامی یا مکانی صرفاً فراغت بخش و سرگرم کننده، بدل می سازد و در نتیجه از جاذبه های درس و کلاس می کاهد.

فصل دوم

نقش متن و محتوا در جذابیت کلاس

متن آموزشی یکی از اساسی ترین مؤلفه های آموزش است که همواره با فراگیر همنشین و در ارتباط است. استاد نیز از ارکان و پایه های آموزش است ولی همیشه با فراگیر همنشینی ندارد او تنها در کلاس درس با دانشجو همراه است و سپس تأثیرات اوست که می تواند به احساس حضور او در کنار دانشجو منجر شود. اما متن آموزشی امکان حضور مداوم را در کنار دانشجو دارد. یعنی دانشجو هر وقت بخواهد می تواند با آن همدمی و مجالست برقرار نماید. از این رو جذاب کردن متن بیش از هر چیز دیگر ضروری و لازم می نماید.

افزون بر به کارگیری تکنیک برتر چاپ درکتب درسی (اگر کتاب متن درسی باشد) به کارگیری فن نگارش، استفاده از محتوای غنی و پرمق ، بهره گیری از نظریات جدید و رقیب، آسان یابی مفاهیم و دوری از پیچیده گویی های غیر فنی، توجه به نیاز مخاطب و اهتمام به سطح اندیشه و نگرش او می تواند کتاب را با جاذبه ها و آرایه ها همراه سازد و دانشجو را به همنشینی مدام با آن ترغیب نماید.

متون درسی با محتوای کهنه با قلم و بیان نامتناسب و دور از دسترس بدون عنایت به مباحث جدی و جاری، پایین تر از فهم مخاطب یا در سطحی دورتر از دانایی و فهم او و بی اعتنا به خواست ها و نیازهای فراگیر نمی تواند در دانشجو علاقه ایجاد نماید و آموزش را جذاب سازد.

فصل سوم **نقش فضای کلاس در جذابیت**

کلاس درس یک فضای معنوی و آموزشی است و یک فضای مادی و فیزیکی، مقصود از فضای معنوی و آموزشی فضای متأثر از استاد و دانشجو است که می تواند باز، منعطف، منطقی و با تفاهم باشد و یا بسته، قانونی، خشک و سرشار از یک سو نگری و تعارض فی المثل در کلاس درسی که استاد را به دانشجو اجازه پرسش نمی دهد، یا سخن رقیب در آن کلاس با طعن و توهین نقد و نقل می شود و یا استاد تنها خواست خود را بر دانشجویان تحمیل می

نماید و از مشورت با فراگیر و حرمت به جایگاه او طفره می رود، چنین کلاسی بسته و غیر منطقی جلوه خواهد کرد و آثار و فواید درخشانی از آن حاصل نخواهد شد اما فضای فیزیکی کلاس عبارت از محدوده کلاس، موقعیت جغرافیای، صندلی و نیمکت، رنگ و تمیزی، تابلو و وسایل گرمایشی و سرمایشی، فرسودگی بنا یا نو بودن و اموری از این دست است که در جذابیت تأثیر گذار است معمولاً کلاس های کهنه و قریب التخریب، بانیمکت های شکسته و قدیمی و در موقعیت عبور و مرور دانشجویان (مثل کلاس های کنار پله) دارای جذابیت نیست و برای دانشجو محیطی خوشایند نمی باشد. درباره فضای معنوی و آموزشی کلاس نیز به نکاتی ارجاع می دهیم که در ضمن مباحث مربوط به استاد گذشت. از جمله تسلط علمی استاد بر مطالب درسی و شادابی او و توانایی در پاسخگویی به سؤالات دانشجویان همراه با احترام به دانشجویان و خوش گمانی استاد نسبت به دانشجویان و پرهیز از غرور و استفاده از منابع اصیل و پرمحتوا و مدیریت صحیح و همراه با انعطاف پذیری و برخورد مشفقانه یا فراگیران از عوامل مؤثر در جذابیت کلاس می باشند.

نتیجه گیری

- ۱- جذابیت کلاس با استاد پرجاذبه متن جذاب و روش های خوشایند تدریس حاصل می شود. در این میان سهم استاد سهم عمده ای است. بنابراین هنر استادی در آن است که از کم ترین داده ها و داشته ها بیشترین بازدهی را داشته باشد و اگر فی المثل متن درسی یا فضای فیزیکی کلاس دلپذیر و خوشایند نبود، با ایجاد جذابیت های دیگر بر رونق کلاس درس بیفزاید.
- ۲- جذابیت هم صورت منفی دارد و هم صورت مثبت. اگر استادی وقت اصلی کلاس را به طنز گفتن، حاشیه رفتن و درس ندادن بگذراند و کلاس را بی قاعده و رها سازد، ممکن است برای برخی ایجاد جذابیت نماید اما این جاذبه ها با اهداف تعلیمی و تربیتی ناسازگار و لذا منفی می باشد.
- ۳- قرآن که کتاب و حیاتی است و گفتار آن برای پیروانش بی شک باور کردنی و پذیرفتنی است، برای رساندن پیام خود از داستان و هنرهای تجسمی و کلامی بهره برده است، نثر شیوا و بلیغ برگزیده است، ساده و بدون پیچیدگی سخن گفته است، به مقتضیات زمانی و مکانی و مخاطب خویش توجه نشان داده است. از تمثیل بهره گرفته و سبک گفتار خویش را متناسب با پیامی که می خواهد ارائه کند، انتخاب کرده است. در واقع از هنر جذب مخاطب نهایت استفاده را برده است. اگر قرآن برای مخاطب چنان شأنی قایل می شود که می خواهد با جاذبه های هنری از او دل برباید. استادانی که می خواهند پیام و

محتوای قرآن را در قالب درس‌هایشان ارائه نمایند، به بهره‌گیری از این هنر محتاج‌ترند.

۴- قرآن کریم در آیه‌ای خطاب به پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «اگر تو قلب سخت و نامهربانی داشتی، مردم از کنارت دور می‌شدند» قرآن نمی‌فرماید: اگر آموزه‌های غیر منطقی و تهی از استدلال بود مردم دور می‌شدند، بلکه می‌گوید اگر آورنده این آموزه‌ها دارای انعطاف نبود و خشن نشان می‌داد، مردم دور او جمع نمی‌شدند. بنابراین محتوا و پیام به تنهایی کافی نیست. بلکه پیام آور نیز باید دارای جانی آراسته، خلقی نیکو و روحیه‌ای ملائم و نرم‌خو باشد.

۵- دلیل کارنگی می‌گوید: «عمیق‌ترین انگیزه در طبیعت آدمی عطش او برای مورد تحسین قرار گرفتن است.» دانشجویان نیز که در سنین خاصی قرار دارند، از این طبیعت و انگیزه مستثنا نیستند. بنابراین شخصیت‌دادن و تشویق و تحسین آنان می‌تواند استاد و دانشجو را همسو قرار دهد و بین آنان ارتباط برقرار سازد.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آیین دوست‌یابی، ترجمه مهرداد میری
- ۳- تفسیر نمونه
- ۴- کاربرد روانشناسی در آموزش، رابرت بیلر، ترجمه پروین کدیور
- ۵- مبانی روانشناختی تربیت، دکتر علی‌اکبر سیف